

با آتش، آتش درست می‌کنم داستان کبریت

کبریت یا به قول ناظم‌الاطبا «چوبی باریک که نوکش گوگرد باشد»، در قدیم با چوب شاه‌دانه ساخته می‌شد و یک یا دو سرش آغشته به گوگرد مذاب بود و هنگام برخورد با جسم مشتعل روشن می‌شد. البته این نوع کبریت‌ها اصطلاحاً از نوع سایشی نبودند و اگر نوکشان که آغشته به گوگرد بود، در درون آتش یا تلی از خاکستر قرار می‌گرفت، روشن می‌شد. کبریت‌های معروف به سایشی در سال ۱۸۲۸ میلادی (۱۲۰۵ خورشیدی) اختراع و شش سال بعد به ایران آورده شدند. نخستین کبریت‌های فرنگی با نام تجاری «لوسیفر» در استرآباد گرگان و توسط «سر جیمز فریزر»، سیاح اسکاتلندی، رؤیت شده‌اند. «ممتحن الدوله» از رجال ناصری می‌نویسد: «اولین دفعه که کبریت به ایران آمد، شخصی به نام «اسماعیل آتش» کبریت‌ها را در دست می‌گرفت و فریاد می‌کشید با آتش، آتش درست می‌کنم».

در ابتدا که کبریت به ایران وارد شد، کالایی منحصر به فرد بود که عموم مردم به آن دسترسی نداشتند و فقط مختص خانواده‌های اعیان و اشراف بود. در قسمتی از سفرنامه «جورج یاسمان تیت» آمده که وی هنگام سفرش به ایران بهترین هدیه ممکن را یعنی یک قوطی کبریت به گله‌داران سیستانی داده است؛ چرا که کبریت فقط در یکی دو ناحیه کشور یافت می‌شود و اگر آتش گله‌داری خاموش شود، وی مجبور است برای آوردن آتش به نزدیک‌ترین روستا برود.

مهم‌ترین کبریت‌های وارداتی به ایران، کبریت‌های اتریشی، سوئدی با اسامی «گلوب»، «روپی»، و «کی» بودند. کبریت‌های اتریشی از مرزهای غربی و ترکیه وارد ایران می‌شد و کبریت‌های سوئدی از مرزهای جنوبی و بوشهر. کبریت‌های اتریشی که از نوع سولفوری بودند، در قوطی‌های گوگردی فروخته می‌شدند که روی آنها تصاویری از اپرا نقاشی شده بود. اکثر دهقانان و رعایا خریدار کبریت‌های سولفوری بودند و کبریت‌های بی‌خطر به دست مشتریان مرفه‌تر خریداری می‌شد. خریداران این کبریت‌ها را به صورت ۵۰ تایی و ۲۷۰ قران می‌خریدند. تقریباً تا سال ۱۲۸۴ خورشیدی بازار کبریت ایران در انحصار اتریش، سوئد و روسیه بود. ارزش واردات کبریت در ایران تا سال ۱۲۹۲ خورشیدی، بالغ بر ۳۰۵ میلیون قران برآورد می‌شد که ۷۰ درصد آن سهم روسیه بود.

نخستین کارخانه کبریت‌سازی در ایران در سال ۱۲۷۶ خورشیدی و با کمک سرمایه‌گذار روسی در ایران تأسیس شد. یکی از نخستین کبریت‌سازان ایران را «میرزا علی‌خان امین‌الدوله» معرفی می‌کنند که برای نخستین بار کبریتی معروف به کبریت تهران را درست کرد. رشد تدریجی صنایع ایرانی با توسعه کارخانه‌های کبریت‌سازی همراه بود. چنانچه در سال ۱۳۰۴ خورشیدی وقتی فقط هشت کارخانه مدرن در ایران فعالیت می‌کرد، تنها دو کارخانه آن مربوط به صنعت کبریت‌سازی بودند. این کارخانه در منطقه «خرازین» (الهیه شمیران) بود اما برچسب این کبریت‌ها در روسیه چاپ می‌شدند که اوایل نقش پرچم ایران و روسیه و بعدها منقوش به نقش شیر و خورشید بودند. ورود کبریت‌های فرنگی و قیمت ارزان ترشان باعث ورشکستگی کارخانه‌های ایرانی شد. بعدها و در دوران قاجار کبریتی به نام «الهیه» در تبریز و زنجان ساخته شد که کیفیتی بهتر از کبریت تهران داشت. از مهم‌ترین کارخانه‌های کبریت‌سازی می‌توان به کارخانجات توکلی، ممتاز، زنجان و همدان اشاره کرد. بعدها با افزایش کارخانجات کبریت‌سازی سندیکی کبریت‌سازان نیز در سال ۱۳۳۰ شکل گرفت و بعد از آن بود که کبریت‌سازی به یک صنعت بومی بدل شد.

منبع: ماهنامه ایران‌شناسی سرزمین من / شماره ۹۵

خلالها الک می‌شوند تا تراشه‌ای در میان آن‌ها نباشد



کنده‌های چوب، سر حلقه شروع کبریت‌سازی است



تصویر روی کبریت‌ها، نمایه‌ای از تاریخ معاصر است



قوطی‌های کبریت با نظارت کارگرها پر می‌شود



می‌شود و مستمر تلاش شده محصولات فرعی مرتبط نیز به دامنه تولیدات اضافه شود.

نخستین دستگاه‌های تولید نئوپان و محصولات جانبی با چند دهه عمر و هزاران ساعت کار مفید، در گوشه موزه نشسته و لبخند می‌زنند!

● شعله‌ای افروخته...

راه رسیدن به کارخانه کبریت ممتاز، طولانی نیست. با وجود این داخل این مجموعه، مسیری شگفت‌انگیز از خاطرات انسان‌های بسیاری است که در دل تاریخ برای رشد و ترقی کشور تلاش کرده و از خود رد پای همچون چوب‌های نحیف کبریت باقی گذاشته‌اند.

پایان سخن را باز به دست ادبیات می‌سپاریم و جناب مولانا که کبریت در اشعارشان نمودی سرخ و روشن دارد:

از چهره آفتاب مهوش گردی

وز صحبت کبریت تو آتش گردی

تو جهد کنی که ناخوشی خوش گردد

او خوش نشود ولی تو ناخوش گردی

**اینجا صفر تا صد
چوب ورودی به
کارخانه، به خروجی
متناسب و کاربردی
تبدیل می‌شود و
مستمر تلاش شده
محصولات فرعی
مرتبط نیز به دامنه
تولیدات اضافه شود**